

اثربخشی آموزش مهارت‌های شیوه فرزندپروری بر مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی ۴-۶ ساله

احمد یارمحمدیان*^۱، زهرا قادری^۲، نسیم چاووشی^۳ فر

چکیده

این پژوهش با هدف اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی ۴-۶ ساله شهر اصفهان، صورت گرفت. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی والدینی که کودکان آنها در مهدکودک‌های شهر اصفهان در سال ۱۳۸۹ ثبت نام نموده و در آنجا مورد آموزش قرار گرفتند، می‌باشد. با توجه به میزان برآورد حجم آماری و روش پژوهش که تجربی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل بود، تعداد ۶۰ نفر به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده و به صورت گمارش تصادفی ۳۰ نفر در گروه آزمایش و ۳۰ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. آنگاه گروه آزمایش تحت آموزش شیوه‌های فرزندپروری، طی ۶ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای قرار گرفتند و در پایان دو مرتبه از هر دو گروه پرسشنامه‌ی رفتاری راتر کودکان گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین نمرات مشکلات رفتاری کودکان در دو گروه تفاوت معنادار در سطح $(p < 0/05)$ داشت. بدین معنی که نمرات گروه آزمایش پس از دریافت آموزش شیوه‌های فرزندپروری نسبت به گروه کنترل کاهش نشان داد. بنابراین با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که آموزش و آگاهی والدین از نحوه‌ی برخورد صحیح با کودک خود و کسب آگاهی از موثرترین شیوه‌های فرزندپروری (روش مقتدرانه) و برخورد مناسب با کودک، نه تنها می‌تواند مشکلات رفتاری کودکان را کاهش دهد؛ بلکه در اثر آرامش روان آنان فرصت بهتری برای رشد و یادگیری در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی:

مهارت‌های فرزندپروری، مشکلات رفتاری، کودکان پیش دبستان.

۱- استادیار گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

۲- استادیار گروه مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله، yarmo879@yahoo.com

مقدمه

نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان، بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و ضرورت آن هم تاکنون مورد تردید قرار نگرفته است، چرا که تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزش‌ها برساند (استافوردوبه یر، ترجمه دهگانپور و همکاران، ۱۳۷۷). کانت^۱ فیلسوف بزرگ آلمانی والدین تربیت شده را سرمشق و الگوی رفتاری فرزندان می‌داند. بدیهی است با تولد فرزند، نیازهای او به‌طور پیچیده‌ای با نیازهای والدین گره می‌خورد. مشکل یکی، مشکل دیگری نیز می‌باشد. هرچند که والدین مسئول واقعی مراقبت از فرزندان می‌باشند، اما این امر یعنی مراقبت از کودکان شغلی است که نیاز به مهارت کافی دارد، حتی پرتوان‌ترین و قابل‌ترین والدین هم نیاز به کمک و حمایت دارند (پیتر^۲ ۱۹۹۹، نقل از بیرامی، ۱۳۸۸). در کشور ما پدر و مادر شدن فرآیندی است که با همه‌ی وسعتش، گاه به یک‌باره از راه می‌رسد، در حالی که افراد برای آن کوچک‌ترین آموزشی ندیده‌اند (عظیمی، ۱۳۸۷). دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی و شکل می‌گیرد. اغلب اختلالات رفتاری ناشی از کمبود توجه در دوران حساس کودکی است. این بی‌توجهی منجر به عدم سازش با محیط و بروز مشکلات رفتاری برای کودک می‌شود. مشکلات رفتاری یا اختلالات رفتاری، گروهی از اعمال و رفتارهای نابهنجار و یا ناسازگارانه هستند که به‌طور مکرر از فرد سر زده و مانع سازگاری فرد با اطرافیان او می‌شود (یارمحمدیان، ۱۳۸۹). کودکان دنیای پر رمز و رازی دارند و به همین خاطر است که محققان علوم رفتاری به دنبال ریشه‌های نابهنجار کودکان و راه‌های برخورد درست با آن می‌گردند. مشکلات رفتاری کودکان در سنین مدرسه که گاهی نتیجه اجتناب ناپذیر فقر، جهل، نابسامانی‌های خانوادگی و کاستی‌های فرهنگی است، بی‌تردید مانع ریشه و بالندگی آنان است و به همین دلیل پیشگیری و درمان این مشکلات بی‌اندازه اهمیت دارد (داگلاس^۳، ۱۹۹۳). رایج‌ترین مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی، دروغ‌گویی، پرخاشگری و حملات بدخلقی (قشقرق)، دزدی، استفاده از کلمات نامتناسب و زشت، جواب پس دادن و رقابت بین خواهر و برادرها می‌باشد (توکلی زاده، ۱۳۹۰).

نتایج تحقیق ملکشاهی و فرهادی (۱۳۸۵) در زمینه‌ی مشکلات رفتاری کودکان نشان می‌دهد که ۷۹/۳٪ کودکان شهری و ۶۸٪ کودکان روستایی حداقل گرفتار یکی از مشکلات رفتاری مورد مطالعه بودند و اکثر کودکان پیش‌دبستانی به نحوی از مشکلات رفتاری رنج می‌برند که نیازمند توجه و حمایت بیشتری در زمینه‌ی بهداشت روان هستند. از آن‌جا که والدین بیشتر وقت

1- Cunt
2- Peter
3- Douglas

خود را با فرزند خود می‌گذرانند، روابط آنها با فرزندان و شیوه‌های تربیتی آنها می‌تواند نقش مهمی در پیشرفت رفتار فرزندان داشته باشد (کلانتری، ۱۳۸۴). با این حال سطح آگاهی خانواده‌ها نسبت به شیوه‌های فرزندپروری کامل نیست و این ناآگاهی می‌تواند، مسائلی را در برقراری روابط با فرزندان ایجاد کند. بنابراین با توجه به اهمیت و نقش آگاهی والدین نسبت به مهارت‌های فرزندپروری موثر، مسئله‌ی اصلی این پژوهش، تعیین میزان اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی بوده است. رابطه‌ی والدین و فرزندان، نظام و شبکه‌ی درهم پیچیده‌ای است که در اثر واکنش متقابل شکل می‌گیرد. این نظام با نظام‌های گسترده‌تر مثل محله و جامعه در ارتباط است و به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق روش‌های تربیتی روی فرزندان تاثیر می‌گذارد. در این میان تأثیر خانواده، بر فرآیند رشد بسیار بارز می‌باشد (دینک میر^۱، ترجمه رئیس دانا، ۱۳۸۶). در واقع فرزندپروری کار ساده‌ای نیست. این فرآیند مستلزم تلاش و پشتکار، صرف وقت، شکیبایی، آمادگی مداوم برای پذیرش خطا و تعدیل رفتار تربیتی، باز بودن در برابر تجارب حاصل از نتایج و پیامدهای شیوه‌های تربیتی، یادگیری و گاه راهنمایی و مشاوره و بالاخره کسب خودآگاهی است (دینک میر، ترجمه رئیس دانا، ۱۳۸۶).

مهارت‌های فرزندپروری شامل یادگیری مطالبی درباره‌ی چگونگی رشد و رفتار کودکان و درک این که هر سنی چه رفتاری را از آنها باید انتظار داشت، یادگیری راه‌های مثبت و موثر برای کنار آمدن با رفتارهای ناشایست، کسب مهارت در اطمینان خاطر دادن و محبت کردن به فرزندان و یادگیری خوب گوش دادن و صریح و قاطع صحبت کردن می‌شود (مهرابی هنرمند، ۱۳۷۹). دانشمندان علوم تربیتی در بررسی شیوه‌های فرزندپروری، رفتار والدین را به دو دسته الف- پذیرش محبت و گرمی در برابر طرد و خصومت. ب- سهل‌گیری، آزادی و خودمختاری دادن در برابر سخت‌گیری، کنترل، استبداد و توقع بالا داشتن تقسیم می‌کنند (پالسون^۲ و همکاران، ۲۰۰۸).

با توجه به این موضوع، شیوه‌های فرزندپروری و پیامدهای آن در سه طبقه قرار می‌گیرد:

۱- والدینی که دایم دستور می‌دهند و فرزندان خود را طرد می‌کنند، موجب می‌شوند که فرزندانشان یا دعوا و رقابت را در پیش گیرند یا به این باور برسند که راه دستیابی به احساس تعلق، رئیس بودن است.

1- Dinkmeyer
2- Pavlusson

۲- والدینی که اهل تسلیم هستند و گاه کودک را به حال خود رها می‌کنند و گاه او را مورد توجه افراطی قرار می‌دهند، سبب می‌شوند فرزندانشان به این باور برسند که فقط آن چه به او مربوط است، اهمیت دارد و خواسته‌های هیچ کس و دیگری مهم نیست.

۳- والدینی که به فرزندان حق انتخاب می‌دهند و با آنها با محبت و صمیمیت رفتار می‌کنند و در عین حال محدودیت‌های معقول ایجاد می‌نمایند و به فرزندان خود یاد می‌دهند که همکاری با مردم راهی برای باهم زیستن است. فرزندان چنین والدینی به این باور می‌رسند که همه‌ی مردم مهم هستند (اشتاینبرگ^۱، ترجمه عابر، ۱۳۸۷).

تحقیقات معاصر در شیوه‌های فرزندپروری از مطالعات (بامریند^۲) روی کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است. استنباط بامریند از شیوه‌های فرزندپروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواست‌های بالغانه، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخ‌های کودک به تاثیر والدین ایجاد می‌کند (دارلینگ و استاینبرگ^۳، به نقل از گلاسکو^۴، ۱۹۹۷). بامریند (۱۹۹۱) طی مطالعات خود در مورد ابعاد رفتاری والدین و تاثیر آن بر کودکان دریافت که والدین مستبد و قدرت طلب دارای فرزندان هستند که از نظر خویشتنداری در سطح متوسط قرار دارند، ولی تا حدود زیادی گوشه‌گیر بوده و به دیگران بی‌اعتنایی می‌کنند (ماسن^۵ و همکاران، ترجمه یاسایی، ۱۳۸۲).

در مطالعه‌ی دیگری، ۷۱۸ خانواده با کودکان پیش‌دبستانی را که تحت آموزش مهارت‌های فرزندپروری قرار گرفته بودند تا ۸۰۶ خانواده مشاهده مورد مقایسه قرار دادند و بعد از پیگیری دوساله نشان داده شد که در خانواده‌های شرکت‌کننده در برنامه‌های آموزشی، نمره‌ی کل مشکلات رفتاری کودکان کاهش و روش‌های فرزندپروری بهبود یافت. در این والدین افسردگی و اضطراب به‌طور مشخص بهبود یافته و روابط والدین اصلاح گردید (وانسون و همکاران^۶، ۲۰۰۱).

جان بزرگی^۷ و همکاران (۲۰۰۹)، در بررسی ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری و رفتارهای اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی، به این نتیجه رسیدند که بین شیوه‌های فرزندپروری و رفتارهای جامعه‌پسند کودکان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ساندرز^۸ و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهشی برنامه-برنامه‌ی فرزندپروری منحصر به فرد و حمایت از خانواده را برای کاهش شیوع مشکلات رفتاری

-
- 1- Steinberg
 - 2- Bumrind
 - 3- Darligh & stenberg
 - 4- Glasgon
 - 5- Mussen
 - 6- Swanson & Kramer & Hinshaw
 - 7- Janbozorgi
 - 8- Sanders & Mattew

کودکان طراحی کردند و نتایج نشان داد که آموزش به والدین می‌تواند بر کاهش شیوع مشکلات رفتاری در کودکان موثر واقع شود.

شکوهِ (۱۳۸۵)، در پژوهشی تحت عنوان اثربخشی شیوه‌های نوین فرزندپروری به والدین، به این نتیجه رسید که این کارگاه‌ها به بهبود مهارت‌های فرزندپروری منجر شده و مشکلات رفتاری کودکان را کاهش داده است. نتایج تحقیق ملکشاهی و فرهادی در زمینه‌ی مشکلات رفتاری کودکان نشان می‌دهد که ۷۹/۳٪ کودکان شهری و ۶۸٪ کودکان روستایی حداقل گرفتار یکی از مشکلات رفتاری مورد مطالعه بودند و اکثر کودکان پیش‌دبستانی به نحوی از مشکلات رفتاری رنج می‌برند که نیازمند توجه و حمایت بیشتری در زمینه‌ی بهداشت روان هستند (ملکشاهی و فرهادی، ۱۳۸۵).

حسینی (۱۳۸۶)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر نگرش دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در منطقه‌ی آزادشهر یزد به این نتیجه رسید که هر اقدام جدی در جهت بهداشت روان کودکان نیازمند ارزیابی کیفیت تربیت کودک و روابط خانوادگی آنهاست. تهرانی دوست (۱۳۸۷)، پژوهشی تحت عنوان تأثیر آموزش تربیت سازنده فرزندان به والدین در کاهش مشکلات رفتاری کودکان انجام داد. نتایج نشان دادند که مداخله‌های آموزش تربیت سازنده می‌تواند در زمینه‌های مختلف در بهبود عملکرد والدین موثر باشند. ساجدی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی شیوع مشکلات رفتاری کودکان ۳ تا ۶ ساله مهدهای کودک و کلاس‌های آمادگی تحت نظارت سازمان بهزیستی شهر همدان به این نتیجه رسیدند که مشکلات رفتاری شیوع بالایی دارد و تأثیرات منفی بر رفتار اجتماعی و تحصیلی کودکان و نوجوانان می‌گذارد، لذا آنان مداخلات اولیه را جهت پیشگیری که بر درمان آن ترجیح دارد توصیه کردند. توجه به عوامل بروز مشکلات رفتاری در کودکان، در پیشگیری و کنترل این مشکلات فوق‌العاده مهم است. عوامل زیست‌شناختی، محیطی، فرهنگی-اجتماعی، تربیتی، روانی-اجتماعی و نظایر آن مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته اما در میان این عوامل، نقش والدین و شیوه‌ی برخورد و نحوه‌ی تربیت فرزند از اهمیت بیشتری برخوردار است. در همین رابطه، شیوه‌های تربیت و فرزندپروری والدین تحت تأثیر آموزه‌های فردی والدین قرار دارد. منظور از مهارت‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند (رایس^۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). بسیاری از والدین در اثر ناآگاهی نسبت به بکارگیری بهترین و موثرترین شیوه‌های تربیت فرزند دچار سوءتفاهم هستند و ممکن است

سلیقه‌ها و نگرش‌های خود را به گمان اینکه بهترین شیوه است، اعمال نمایند. اما این شیوه‌ها باید در تضاد با یافته‌های علم روانشناسی کودک باشد یا تناسبی با موقعیت کودک نداشته باشد. لذا ناخواسته کودک تحت تاثیر این شیوه‌ها دچار مسائل روانی- رفتاری شود. از آنجا که اغلب خانواده‌ها را زوجین جوانی تشکیل می‌دهند که فاقد دانش تخصصی در شیوه‌های فرزندپروری هستند و از آنجایی که انتظارات و در نهایت بر شخصیت افراد در آینده دارد و آگاهی والدین از نحوه‌ی برخورد با فرزندان‌شان برای پیشگیری از شکل‌گیری رفتارهای نامطلوب نقش مهمی دارد، لذا هدف اصلی این تحقیق، بررسی آموزش مهارت‌های فرزندپروری به والدین و کاهش مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی می‌باشد.

فرض اصلی تحقیق عبارت بود از:

آموزش شیوه فرزندپروری به والدین بر کاهش مشکلات رفتاری (پرخاشگری و بیش‌فعالی، اضطراب و افسردگی، رفتارهای ضد اجتماعی، ناسازگاری اجتماعی و اختلال توجه) کودکان پیش‌دبستانی تاثیر معناداری دارد.

روش

در این پژوهش، از روش تجربی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل، با گمارش تصادفی استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری و نمونه

جامعه‌ی آماری در این پژوهش عبارت بود از کلیه‌ی والدینی که کودکان آنها در مهدکودک‌های شهر اصفهان در سال ۱۳۸۹ ثبت نام نموده و مشغول آموزش و تربیت بودند که ۶۰ نفر از والدین آنها انتخاب و به صورت تصادفی به ۲ گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند.

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. به این صورت که از ۵ ناحیه‌ی (منطقه) شهر اصفهان به طور تصادفی یک ناحیه انتخاب گردید. سپس به طور تصادفی از آن ناحیه ۲ مهدکودک برگزیده شد. از بین این ۲ مهدکودک ۶۰ نفر به صورت تصادفی گزینش شدند و به صورت گمارشی تصادفی در دو گروه ۳۰ نفری آزمایش و کنترل قرار گرفتند. سپس گروه آزمایش، مورد آموزش شیوه‌های فرزندپروری قرار گرفت. ملاک ورود انتخاب گروه نمونه‌ها عبارت بود از:

- ۱- ثبت نام در مهدکودک‌های شهر اصفهان. ۲- شرکت در دوره‌های آموزشی مهدکودک در طول سال تحصیلی ۹۰-۸۹. ۳- داشتن حداقل سن ۶-۴ سالگی. ۴- میانگین سنی گروه نمونه والدین ۳۲ سال بود که در محدوده‌ی سنی ۲۵ تا ۴۰ سال بودند و اکثریت شامل مادران این کودکان بودند. ۵- کل گروه نمونه از طبقه متوسط اجتماعی بودند.

ابزارهای پژوهش

در این تحقیق از دو ابزار استفاده شد: الف) پرسشنامه‌ی رفتاری راتر کودکان، ب) بسته‌ی آموزشی شیوه‌های فرزندپروری.

الف) پرسشنامه‌ی رفتاری راتر^۱ کودکان: این پرسشنامه در سال ۱۹۶۷ توسط مایکل راتر و همکاران (۱۳۷۲)، تهیه و مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. پرسشنامه‌ی راتر دارای دو فرم الف) فرم والدین) که توسط والدین و فرم ب) فرم معلم) که توسط معلم دانش‌آموزان تکمیل می‌شود، می‌باشد. فرم «الف» دارای ۳۱ پرسش و فرم «ب» از ۲۶ عبارت ساده تشکیل شده و یکی از رایج‌ترین پرسشنامه‌ها برای مشخص کردن ناراحتی‌های روانی کودکان است (راتر و همکاران، ۱۹۷۰؛ نقل از ایلوچه ۱۹۹۲).

روش نمره‌گذاری: به هر سؤال این پرسشنامه حداقل «۰» و حداکثر «۲» تعلق می‌گیرد و از جمع نمرات آنها یک نمره‌ی کلی به دست می‌آید.

«۰» = رفتاری که توصیف شده است در مورد کودک مصداق ندارد.

«۱» = رفتاری که توصیف شده است تنها در مواردی در مورد این کودک مصداق دارد.

«۲» = رفتاری که توصیف شده است کاملاً در مورد این کودک صدق دارد.

در مورد قابلیت اعتماد یا پایایی، راتر و همکاران (۱۹۷۵) با به‌کاربردن روش دو نیمه کردن پرسشنامه‌ی راتر، پایایی آن را در حدود ۰/۸۹ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ گزارش کردند و باز هم همین محققین از طریق بازآزمایی در مورد ۹۱ نفر و به مدت ۱۳ هفته، پایایی ۰/۸۵ گزارش کردند. هنجاریابی مشکلات رفتاری کودکان در ایران توسط مینایی (۱۳۸۴) صورت گرفت و ضرایب همسانی درونی بین ۰/۷۳، ۰/۸۷ گزارش شده است. ضرایب پایایی نیز بین ۰/۳۸ تا ۰/۹۷ به دست آمده است.

ب) بسته‌ی آموزشی شیوه‌های فرزندپروری: شیوه‌ی فرزندپروری طی ۶ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای برگزار شد. جلسات یکبار در هفته، ساعت ۴ بعدازظهر در مهدکودک برگزار می‌شد. در آخرین جلسه، شیوه‌ی فرزندپروری اعضای گروه آزمایش به پرسشنامه‌ی مشکلات رفتاری کودکان مجدداً پاسخ دادند. شرح جلسات به ترتیب، مطابق با جدول ۱ بوده که توسط مجری طرح و نظارت استاد راهنما تهیه، تنظیم و اجرا گردیده است.

جدول ۱ - جلسات آموزش شیوه‌های فرزند پروری

تعداد جلسات	محتوای جلسه	اهداف	تکلیف
اول	آشنایی و معرفی - اهمیت تعلیم و تربیت و تعریف آن - آشنایی با اصول آموزش و پرورش - آشنایی با مراحل رشد کودکان پیش دبستان و همچنین خصوصیات این دوره	مقدمه - تعلیم در تربیت و تاثیر آن در خانواده	آموزش و تمرین آرامیدگی و تمرین کاهش فشار عصبی
دوم	رفتار کودک چه زمانی غیرعادی به - شمارمی‌آید - انواع مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی و نحوه برخورد با این مشکلات	مشکلات رفتاری کودکان پیش-دبستانی	درطول یک هفته پیامدها و مشکلات رفتاری کودکان خود را یادداشت کنید.
سوم	چگونه می‌توانیم پدر و مادری شایسته باشیم - آشنایی با اصول فرزندپروری (مانند داشتن انتظار همکاری، برقراری ارتباط با کودک - شنونده شایسته برای فرزندان - انضباط معقول و ثابت قدم بودن)	اصول اولیه آماده‌سازی والدین و فرزندان برای تعلیم و تربیت	بعضی از روش‌های انضباط موثر را که مناسب رفتار و سن فرزندان‌تان است، به کار برید و نتیجه را مشاهده کنید - گوش کردن بازتابی بر پیام من را به کار برید و نتایج آن را مشاهده کنید.
چهارم	تعریف فرزندپروری و آشنایی با آن - آشنایی با انواع شیوه‌های فرزندپروری و توضیح شیوه‌ی فرزندپروری اقتدار منطقی - بازتاب این شیوه بر روی کودکان	شیوه‌های فرزندپروری (مهارت‌های فرزندپروری)	به موضوع‌هایی که فکر کنید که می‌خواهید در مورد آنها به فرزندان‌تان حق انتخاب دهید. اطمینان حاصل کنید که می‌توانید انتخاب او را بپذیرید.
پنجم	آشنایی با شیوه‌ی فرزندپروری آزادگذاری - آشنایی با والدینی که از این روش استفاده می‌کنند - بازتاب این روش بر روی کودکان	شیوه‌های فرزندپروری (مهارت فرزندپروری)	درمورد پرورش فرزند چه احساسی داشتید؟ ببین حالا چه احساسی می‌کنید.
ششم	آشنایی با شیوه فرزند پروری استبدادی - بازتاب این شیوه بر روی کودکان - مقایسه‌ی آن با دیگر شیوه‌ها و کشف بهترین شیوه - نتیجه گیری	شیوه‌های فرزندپروری (مهارت‌های فرزندپروری)	-

روش‌های آماری: پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها از طریق نرم افزار آماری SPSS-16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین منظور، داده‌های توصیفی از طریق آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و داده‌های استنباطی از طریق آزمون آماری (تحلیل کوواریانس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار نمرات متغیرهای تحقیق در دو گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۲ آمده است. با توجه با این که نتایج آزمون پیش فرض‌های، آزمون فرض‌های پارامتریک (آزمون لوین تساوی واریانس‌ها و آزمون کولموگورف، اسمی نوروف برای توضیح نمرات به‌طور طبیعی) تأیید شد؛ لذا داده‌های توصیفی از طریق آزمون کوواریانس مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۲: توصیف ویژگی‌های زیرگروه‌های مشکلات رفتاری کودکان

پس‌آزمون آزمایش		پس‌آزمون کنترل		پیش‌آزمون آزمایش		پیش‌آزمون کنترل		گروه‌ها
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	شاخص
۲/۰۱	۲/۶	۲/۲۷	۳/۲۴	۲/۱۹	۳/۲۴	۲/۰۷	۳/۳	پرخاشگری و بیش‌فعالی
۲/۵۴	۳/۰۶	۱/۶۳	۳/۹	۲/۳۱	۴/۱۰۳	۱/۴۷	۴	اضطراب و افسردگی
۱/۴	۲/۱	۱/۴۶	۳	۱/۸۸	۲/۸۶	۱/۵۴	۳/۳۶	ناسازگاری اجتماعی
۱/۴۴	۱/۱۶	۱/۴۶	۲/۱۷	۱/۶۲	۱/۸۲	۱/۸۳	۲/۵۳	رفتارهای ضداجتماعی
۱/۵۸	۲/۶	۱/۵۵	۲/۸۶	۲/۴۱	۲/۸۶	۱/۷۶	۳	اختلال توجه
۶/۷	۱۲	۵/۵۸	۱۵/۹۶	۸	۱۵/۲۷	۵/۲۴	۱۷/۰۶	مشکلات رفتاری

آنچه جدول ۲ نشان می‌دهد، بدین قرار است که در بعد پرخاشگری و بیش‌فعالی میانگین گروه کنترل ۳/۳ در پیش‌آزمون بوده و گروه آزمایش دارای میانگین ۳/۲۴ در پیش‌آزمون بوده‌اند. بعد از آموزش گروه کنترل میانگین قبل را دارا بوده و گروه آزمایش که تحت آموزش قرار گرفته است، میانگین ۲/۴ را کسب نموده است. در بعد اضطراب و افسردگی میانگین گروه کنترل ۴ بوده و گروه آزمایش دارای میانگین ۴/۱۰۳ در پیش‌آزمون بوده است. بعد از آموزش گروه آزمایش میانگین ۳/۰۶ را کسب نموده است. در بعد ناسازگاری اجتماعی میانگین گروه کنترل ۳/۲۶ بوده و گروه آزمایش دارای میانگین ۲/۸۱ در پیش‌آزمون بوده است. بعد از آموزش گروه آزمایش میانگین ۲/۰۱ را کسب نموده است. در بعد رفتار ضد اجتماعی میانگین گروه کنترل ۲/۵۳ بوده و گروه

آزمایش دارای میانگین ۱/۸۱ در پیش‌آزمون بوده است. بعد از آموزش گروه آزمایش میانگین ۱/۱۶ را کسب نموده است. در بعد اختلال توجه میانگین گروه کنترل ۳ بوده و گروه آزمایش دارای میانگین ۲/۸۶ در پیش‌آزمون بوده است. بعد از آموزش گروه آزمایش میانگین ۲/۶ را کسب نموده است و به‌طور کلی مشکلات رفتاری کودکان میانگین گروه کنترل ۱۷/۰۶ بوده و گروه آزمایش دارای میانگین ۱۵/۲۷ در پیش‌آزمون بوده است. بعد از آموزش گروه آزمایش میانگین ۱۲ را کسب نموده است.

جدول ۳- خلاصه نتایج تحلیل کواریانس میانگین نمرات مولفه‌های مشکلات رفتاری کودکان

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا	توان آماری
پیش‌آزمون مشکلات رفتاری (همپراش)	۱۷/۸۸۰	۱	۱۷/۸۸۰	۰/۶۱۰	۰/۴۳۸	۰/۰۲۱	
پس‌آزمون مشکلات رفتاری کودکان	۲۲۰/۳۳	۱	۲۲۰/۳۳	۵/۶۵۴	۰/۰۲۱	۰/۶۶۲	۰/۸۳
خطای باقیمانده	۱۶/۸۳۲	۵۸	۲۹/۳۱۳				

(P : ۰/۰۵)

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون کواریانس نشان می‌دهد که با حذف اثر نمره‌های مشکلات رفتاری پیش‌آزمون به‌عنوان متغیر همپراش، اثر اصلی آموزش بر نمره‌های مشکلات رفتاری کودکان در پس‌آزمون معنادار است ($p < 0/021$). مجذور اتا میزان تأثیر عضویت گروهی بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. جدول نشان می‌دهد که این میزان ۰/۶۶ است؛ یعنی ۶۶٪ کل تفاوت‌ها در پس‌آزمون نمرات مربوط به آموزش گروه آزمایش است. با توجه به آنچه آمد، نتیجه می‌گیریم که تأثیر آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر مشکلات رفتاری کودکان تأثیر دارد.

جدول ۴- خلاصه نتایج تحلیل کواریانس تأثیر متغیر مستقل در پس آزمون مولفه‌های مشکلات رفتاری کودکان

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا	توان آماری
پیش‌آزمون(همپراش)	۰/۵۶۷	۱	۰/۵۶۷	۱/۰۱۱	۰/۹۱۸	۰/۰۰	
پس آزمون پرخاشگری-بیش‌فعالی	۶/۰۶۶	۱	۶/۰۶۶	۱/۳۱۷	۰/۲۶۵	۰/۰۲۳	۰/۲۰
خطای باقیمانده	۲۶۲/۵۱۰	۵۸	۴/۶۰۵				
پیش‌آزمون اضطراب(همپراش)	۱/۲۴	۱	۱/۲۴	۰/۰۳۰	۰/۸۶۳	۰/۰۰۱	
پس آزمون اضطراب- افسردگی	۱۰/۱۵۶	۱	۱۰/۱۵۶	۲/۲۰۵	۰/۱۴۳	۰/۰۳۷	۰/۰۳۰۹
خطای باقیمانده	۲۶۲/۵۵	۵۸	۴/۶۰۶				
پیش‌آزمون(همپراش)	۱/۹۸	۱	۱/۹۸۲	۰/۸۷۶	۰/۳۳۵	۰/۰۵	
پس آزمون ناسازگاری اجتماعی	۱۱/۹۴۴	۱	۱۱/۹۴۴	۵/۸۳۴	۰/۰۱۹	۰/۰۹۳	۰/۶۶۱
خطای باقیمانده	۱۱۶/۷	۵۸	۲/۰۴				
پیش‌آزمون(همپراش)	۱/۹۲۱	۱	۱/۹۲۱	۰/۶۹۵	۰/۴۰۸	۰/۰۱۲	
پس آزمون رفتارهای ضد اجتماعی	۱۴/۹۱۶	۱	۱۴/۹۱۶	۷/۰۶۷	۰/۰۱۰	۰/۱۱۰	۰/۷۴۳
خطای باقیمانده	۱۲۰/۳۰۵	۵۸	۲/۱۱				
پیش‌آزمون (همپراش)	۰/۲۸۱	۱	۰/۲۸۱	۰/۱۰۲	۰/۷۵۱	۰/۰۰۲	
پس آزمون اختلال توجه	۱/۰۱۳	۱	۱/۰۱۳	۰/۰۴۱	۰/۵۲۴	۰/۰۰۷	۰/۰۹۷
خطای باقیمانده	۱۴۰/۶۴۸	۵۸	۲/۴۶				

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، نتایج نشان داد که پس از اجرای برنامه‌ی آموزشی والدین تفاوت معناداری اختلال ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی کودکان دو گروه به‌دست آمد ($p < ۰/۰۵$). بدین معنی که کودکانی که والدین‌شان در برنامه‌های آموزشی شرکت کرده بودند، تا اندازه‌ای رفتارشان نسبت به گذشته کاهش یافته است. اما پرخاشگری و بیش‌فعالی، اضطراب و افسردگی و اختلال توجه این کودکان نسبت به گذشته تغییر معناداری نداشته است ($p > ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه‌ی حاضر، بررسی میزان تأثیر آموزش مهارت‌های شیوه فرزندپروری بر مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر مشکلات رفتاری کودکان اثر داشته و باعث کاهش مشکلات رفتاری کودکان می‌شود. این نتایج با پژوهش‌هایی که نشان می‌دهند استفاده از برنامه‌های آموزش والدین سبب بهبودی رفتار کودکان می‌شود (حسینی ۱۳۸۶، ملک‌شاهی و فرهادی ۱۳۸۵، جان بزرگی ۲۰۰۹، ساندرز و همکاران ۲۰۱۰، شکوهی ۱۳۸۵، تهرانی دوست ۱۳۸۷، ساجدی و همکاران ۱۳۸۹)، همسو می‌باشد. کالیاس^۱ (۱۹۹۴)، پژوهش‌هایی در زمینه‌ی برنامه آموزشی والدین انجام داد که والدین به‌عنوان درمانگر وارد برنامه‌های درمانی شده و در اصلاح جنبه‌های ناسازگارانه رفتار کودکان خود دخالت داده شدند که همین امر در کاهش اختلالات رفتاری کودکان تأثیر مثبت داشت. هدف از آموزش والدین مداخلات آموزشی است که هدف آن کمک به والدین جهت مقابله بهتر با مشکلاتی است که در رابطه با کودکان‌شان دارند و برای اصلاح الگوی تعاملی میان والدین و کودک طرح‌ریزی شده‌اند.

پژوهش‌های پرنده و شکوهی (۱۳۸۵)، بر روی ۲۲۵ والد به‌منظور آموزش شیوه‌های نوین فرزندپروری به والدین و تأثیر آن بر مهارت حل مساله کودکان بیانگر این است که آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر مهارت حل مساله فرزندان موثر است. مطالعات متعددی نشان داده که آموزش والدین می‌تواند به‌طور عمومی اثرات مثبتی را بر روی روشی که والدین موقعیت تربیت کودک، آن را تجربه می‌کنند و به‌خصوص بر روشی که شایستگی‌شان را برای کنار آمدن با کودک می‌کنند، داشته است (شکوهی، ۱۳۸۵).

همچنین نتایج فرضیه‌های فرعی پژوهش مبنی بر تأثیر آموزش والدین بر ابعاد مشکلات رفتاری کودکان مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که پس از اجرای برنامه آموزشی والدین تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین گروه‌ها به‌وجود آمد؛ اما این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نبود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلال ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی کودکانی که والدینشان در برنامه‌های آموزشی شرکت کرده بودند، تا اندازه‌ای نسبت به گذشته کاهش یافته است که این نتایج با یافته‌های جان بزرگی (۲۰۰۹) و مارکس درز (۲۰۰۱) همسو است. اما پرخاشگری و بیش‌فعالی، اضطراب و افسردگی و اختلال توجه کودکانی که والدین‌شان در برنامه‌های آموزشی شرکت کرده بودند، نسبت به گذشته تغییر معناداری نداشته است.

براساس نظریه‌ی کالیاس (۱۹۹۴) طول مدت آموزش در نتایج درمان بیشتر موثر است. بدین معنا که هرچه محدوده زمانی آموزش گسترده‌تر باشد اثرات درمانی آشکارتر می‌شود و به همین دلیل کوتاه بودن دوره آموزش می‌تواند در نتایج این پژوهش موثر باشد. می‌توان گفت که به علت کوتاهی طول دوره ممکن است کودکان فرصت این‌که رفتارهای خود را از محیط خانه به محیط مهدکودک تعمیم دهند را نداشته باشند و تعمیم این بهبود رفتار به محیط مدرسه بدون شک نیازمند فرصت بیشتری بوده است.

به همین دلیل می‌توان گفت علی‌رغم اینکه بسیاری از مشکلات رفتاری کودکان تحت تأثیر تعاملات آنها با والدین و آزمون‌های مستقیم و غیرمستقیم آنهاست؛ اما برخی از اختلالات از جمله اختلال کمبود توجه و بیش‌فعالی زمینه‌های ژنتیک هم دارند و صرف یک دوره آموزشی کوتاه مدت نمی‌تواند به مداخله موثر بینجامد و احتمالاً مداخلات روان‌درمانی یا دارو درمانی همراه با دوره‌های آموزش ضروری است.

به‌طورکلی یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش والدین و آموزش کودکان می‌تواند به‌عنوان ابزاری موثر در جهت تغییر و جهت‌دهی رفتار کودکان به‌کار گرفته شود. ویژگی‌های خاص برنامه‌های آموزشی حاضر، از جمله آموزش شیوه‌های فرزندپروری و آشنایی با مشکلات کودکان پیش‌دبستانی نیز می‌تواند مبین تأثیرات درمانی باشند (ساجدی و همکاران، ۱۳۸۹).

روابط موجود بین اعضای خانواده در سلامت اعضای خانواده از جنبه‌های مختلف جسمی، روانی و اجتماعی اهمیت فراوانی دارد. بسیاری از مشکلات در دنیای امروز به خدشه‌دار بودن روابط بین اعضای خانواده شامل همسران و فرزندان در روابط متقابل آنها با یکدیگر مربوط است. امروزه چگونگی ارتباط والد-کودک یکی از اساسی‌ترین زمینه‌های پژوهش است. یافته‌های ادبیات تحقیق مربوط به کودکان نشان داده که کودک یک موجود فعل‌پذیر مطلق نیست و از ویژگی‌های خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری و روابط زناشویی تأثیر پذیرفته و بر آنها اثر می‌گذارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آموزش به والدین در سطوح مختلف می‌تواند به‌طور مستقیم بر مهارت‌های فرزندپروری والدین و مهارت‌های شناختی و اجتماعی اثر گذارد. هدف اغلب این برنامه‌ها، ارتقاء نقش نظارتی والدین به‌وسیله‌ی کمک به آنها در زمینه‌ی یادگیری چگونگی مواجهه با فرزندان و در واقع سبک‌های فرزندپروری، کاهش خشونت و بدرفتاری با کودکان، یادگیری راهبردهای مدیریت خشم و مهارت‌های حل مساله به والدین و کودکان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که آموزش و آگاهی والدین از نحوه‌ی برخورد صحیح با کودک خود و کسب آگاهی از موثرترین شیوه‌های فرزندپروری (روش مقتدرانه) و

برخورد مناسب با کودک نه تنها می‌تواند مشکلات رفتاری کودکان را کاهش دهد؛ بلکه در اثر آرامش روان آنها، فرصت بهتری برای رشد و یادگیری در اختیارشان قرار خواهد گرفت. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، شرکت نکردن پدران کودکان در این جلسات بود. از آنجا که برای برقراری و اجرای اصول تربیتی، هر دو والد نقش موثری را ایفا می‌کنند، شرکت هر دوی آنها موفقیت این برنامه‌ی آموزشی را تضمین می‌کند. مسلماً تربیت کودکان نمی‌تواند به کاربرد مجموعه دستورالعمل‌ها و معیارهای آزمایش شده محدود شود. حتی اگر والدین فنون تربیتی خود را یکسان به کار برند، کودکان همگام با بزرگ شدن کاملاً متفاوت خواهند بود. بنابراین والدین باید به شیوه‌های موثر و اثربخش توجه داشته باشند و با تجدیدنظر مستمر در تجربه‌های تربیتی خود شیوه‌های معیوب فرزندپروری را ترک کنند و به شیوه‌های موثر و کارآمدتر روی آورند. چرا که اگر شیوه‌های تربیتی والدین اصلاح شوند، مشکلات رفتاری کودکان نیز اصلاح خواهد شد. بنابراین آموزش‌های لازم در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود. پژوهش حاضر به اثربخشی آموزش مهارت‌های شیوه فرزندپروری بر مشکلات رفتاری کودکان بیش‌دستانی ۴-۶ ساله پرداخته است. به‌منظور ارزیابی تأثیر شیوه‌ی فرزندپروری بر مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دستانی، پیشنهاد می‌شود که شیوه‌های آموزشی و درمانی دیگر مانند اثربخشی آموزشی رفتاری به والدین به‌طور مقایسه‌ای یا تلفیقی با شیوه‌های فرزندپروری انجام شود.

منابع

- استافورد، لورا. به‌یر، چری. (۱۹۸۸)، *تعامل والدین و کودکان*، ترجمه‌ی محمد دهگانپور و هرداد خرازچی، (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات رشد.
- اشتاینبرگ، لارنس. (۱۹۵۲). *ده اصل ثابت فرزندپروری*، ترجمه‌ی مهرنوش عابر (۱۳۸۷)، تهران: انتشارات رشد.
- یارمحمدیان، احمد. (۱۳۸۹). *روان‌شناسی کودکان و نوجوانان ناسازگار*، چاپ اول، تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- انله، ایزولده. (۱۹۸۱). *مشکلات رفتاری کودکان*، ترجمه سپیده خلیلی (۱۳۸۶)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات پیدایش.
- بیرامی، منصور. (۱۳۸۸)، *تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری به مادران پسران دبستانی مبتلا به اختلالات برونی‌سازی شده بر سلامت روانی و شیوه‌های تربیتی آنها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی.
- پرنده، ا. شکوهی یکتا، م. (۱۳۸۵). *آموزش شیوه‌های فرزندپروری به والدین و تأثیر آن بر مهارت‌های حل مسئله کودکان*، دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- تهرانی دوست، مهدی. (۱۳۸۷). *تأثیر آموزش تربیت سازنده فرزندان به والدین در کاهش مشکلات رفتاری کودکان*، *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، صص ۳۷۱-۹.
- توکلی زاده، جهانشیر. (۱۳۹۰). *اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی*، *مجله علمی پژوهشی افق دانش*، صص ۶۴-۵۶.
- حسینی، فاطمه. (۱۳۸۵)، *بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر نگرش مادران دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در منطقه آزاد شهر یزد در سال تحصیلی ۸۶-۸۵*، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال دوم، شماره ۷، صص ۴۰-۳۱.

- دینک میر، دان (پدر). دینک میر، گری مکی (پسر). (1924). *راهنمایی فرزندپروری موفق*، ترجمه مجید رئیس دانا (۱۳۸۶)، چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد. صص ۲۱-۱۹
- رایس، فیلیپ. (۱۹۸۷). *روانشناسی رشد از تولد تا مرگ*، ترجمه مهشید فروغان (۱۳۸۷)، چاپ سوم، تهران: انتشارات ارجمند.
- ساجدی، ژیلدا. ضرابیان، کاظم. صادقیان، عفت. (۱۳۸۹). بررسی شیوع مشکلات رفتاری-کودکان ۳ تا ۶ ساله مهدهای کودک و کلاس‌های آمادگی تحت نظارت سازمان بهزیستی شهر همدان، *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان*، دوره هجدهم، شماره ۱، صص ۳۶-۲۲.
- شکوهی یکتا، محسن. (۱۳۸۵). *اثر بخشی آموزش شیوه‌های نوین فرزند پروری بر والدین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- عظیمی، مهدی. (۱۳۸۷). *بررسی و مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و متغیرهای جمعیت شناختی خانواده‌های دارای اختلال نقص توجه همراه با بیش‌فعالی با خانواده‌های کودکان بهنجار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی کودکان استثنایی.
- کلانتری، مهرداد. موسوی، حسین و توسلی. (۱۳۸۴). رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش دبستان شهر اصفهان، *مجله علمی دانش و پژوهش*، سال هفتم، ۲۴، صص ۳۸۴-۳۶۷.
- ماسن، پاول هنری و همکاران. (۱۹۸۰). *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه مهشید یاسایی (۱۳۸۲)، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- ملکشاهی، فریده. فرهادی، علی. (۱۳۸۵). *بررسی شیوع مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی شهرستان خرم‌آباد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- مهرابی هنرمند، مهناز. نجاریان بهمن، بحرینی شهناز. (۱۳۷۹). *رابطه شیوه‌های فرزند پروری با سلامت روانی و هماهنگی مولفه‌های خودپنداشت*، *مجله روان‌شناسی*، شماره ۱۳، صص ۹۵-۸۳.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of early adolescence*, 11, 56-95.
- Callias, M. (1994). *Parent training*. In M. Rutter, E. Taylor, C. Harsov, (Eds). *Child and adolescent psychiatry, modern approaches*. Oxford: lackwell scientific publication.
- Douglas, L. G; Karen, C.W. (1993). Behavioral family therapy withy conduct disorder children. *Behavioral therapy*. 14-37-53.
- Janbozorgi, M. Novri, N. Rajaei Esfahani, s. (2009). the relationship between parenting styles and children's pro-social behavior. *pejouhandeh*, 13, 519-527.
- Glasgow, K.I.; Dornbusch, S. M; Troger, D.L., steinberg, L., R Ritter P.L (1997). Parenting styles, adolescents attributions and educational outcomes in nine heterogeneous high schools. *Child Development*. vd. 68, N3. PP507-529.
- Rutter, M. (1976). A children's Behavior Questionnaire for completion by Teacher. *Journal of child psychology and psychiatry*, 8, 27-35.
- Pavlusen-Hoogbeem, M. Stams, G. Hermanns, J. peetsma, T. Godfried, I. D. wittenboer, V. D. (2008). arenting style as a mediator between children's negative emotionality and problematic behavior in early childhood. *journal of Genetic psychology*, 169(3), 209-226.

- Sanders, M. R. Matthew, Carol Markie-Dadds and Karen M. T. Turner (2010)–
Theoretical, scientific and ethical foundations of the Triple P-Positive Parenting
Program. A population approach to the promotion of parenting competence.
- Swanson JM, Kramer HG, Hinshaw SP, (2001). Clinical relevance of the primary
finding of MTA: success rate based on ADHD AND odd symptom at the end of
treatment. J Abnorm child psychol; 40:79-168.